

در سال شمسی گذشته و آذر و بهی محاسبه زینج ایل خانی که مخفی طوسی علیه الرحمه در مراغه بید و در سنه ۶۲۲ شمس در چهل  
بسه بجز می مرتب ساخته در تقویم شمسی تفاوت موخر به سه دقیقه یافته میشود که شمسی این مقدار را در  
دو یوم و ربع یوم تقریباً قطع می کند و حسب محاسبه زینج الخ یکی که ترتیبش در سنه ۱۲۱۱ هجرت صد و چهل و یک است  
در سرفند شده تفاوت به دقیقه و مقدم یافته میشود که این قدر را شمسی تقریباً در شش ساعت  
ستو می قطع می کند و از حساب زینج محمد شاهی که در سنه ۱۳۰۰ یک هزار و یک صد و سی و هجری  
در دار الخلافت شاه جهان آباد دلی موضوع گشته چند آن تفاوت مجموع من نسبت آید  
زمانه کمون و خسوف اختلاف محسوب و مرصود حسب تقدیم و تا خبر زیاده بر شانه زده دقیقه  
ساعت یافته شده است که درین مدت فرقی نیست دقیقه طی می آید و شمسی و نه ثانیه  
و این تفاوت چند آن نیست که عامه را بران اطلاع شود بخلاف زیجات متقدمه بالجملة  
ازین بیان بوضوح پیوست که هر چند که زینج بعید العبد باشد تفاوت حاصلش فاحش تر بود  
و ازین جهت است که بعد مرور در دور تبولیه رسد و تجدید زینج حاجت می افتد و محمد خفیه  
در شرح زینج ایل خانی از کتاب تاریخ الفلاسفه که ترجمه کتاب فاینطس یونانی است نقل کرده است  
که اول کسکه در حال کواکب نظر کرد آدم علیه السلام بود و در قلعه جبل القریسیه قایم کرده ظل آفتاب  
را در صدی قرمود تا هر روز که ظل بنایت قصر می رسید مبدانست که نیم روز شد و از صبح تا نیم  
روز بفرام آوودن نمرات ماکوله جیلی سعی می کرد و چون وقت نصف النهار میرسید آن  
انبار را بسکس برای فرزندان می برد و نیز هرگاه ناقص و ترازد و انعدام ظل را معاینه  
کرد انتظار عوادت آن کشید تا چون باره دوم ظل را منعدم دید دانست که آفتاب بوضع  
اول خود رسد و چون ایام عوده را حساب کرد سبده و شصت و پنج روز یافت و دانست که آفتاب  
درین مدت دوره نام می کند و همچنین حضرت شیت و نوح هم در حال آفتاب و کواکب  
ناظر بودند تا آنکه عهد ادریس آمد آن حضرت علم رسد را رو نقلی بخشید و حرکات جمیع  
بسیارات لغزنا و چینه معلوم کرد و بیشتر از خواص کواکب زد ریافت بفضای قرطاس ثبت کرد و علم  
نجوم از و ذرات اطراف و امکانات شایع گشت و به نامان در کتاب خود جا نیک هر مسکن حکیم منوی  
آه اذ آن حضرت ادریس علیه السلام است با الحیم به سبزه تیز در هر دور و عنصر غفلا در  
تجربیات حرکات در صد آن ماکوله و نوزاد در دور تا بجزای که در این



در روز نهم و بیست و یکم از ماه شعبان در روز چهارم از ماه رجب  
میکند از سال پنج ایل تا ایل در وقت و در وقت که ایام چهارم از این یک است  
آنکه لا اله الا الله محمد رسول الله است و بعد از آن در عهد سلطان جلال الدین  
که سال از سال در میان اصطلاح منور کرده که ابتدای سال را از روزی که نشد که تحویل  
در محل قبل نصف چهار آن روز واقع شود بعد از آن هر ماه را کسی روزی که مشهور بود بخروج  
گشتند در آخر ماه و سفید از پنج روز در دیده زبانه کردند و چون بر خود ملتزم ساختند که  
ابتدای سال از روزی شود که تحویل محل بر نصف چهارش مقدم باشد لهذا بعد از آن  
چهار سال که روز در آخر خسته است از روزی می شود و از آن لحظه خسته است که بیزدود سال  
که این لحظه را وجود بند آن سال را سال کبسی نامند و این ماه در سال را عقید بجلالی  
می کنند و مقابل این مشهور در همین وضع او ساطع است و در عهد جلال الدین محمد اکبر پادشاه  
ماه ماهی شمسی را با تحویلی حقیقی گرفتند و شروع خوردین ماه را از روزی کردند که تحویل  
آفتاب در محل قبل نصف چهار آن واقع شود و از آن وقت ماه را از روزی که تحویل آفتاب  
در آن قبل نصف چهار آن واقع شود و در همین قیاس سائر ماه را بحساب تحویل میگردند پس ازین  
در سال بزود حقیقی باشند و مقابل آن غبط او ساطع است و این ماه در سال را عقید باسم الهی  
می کردند و اهل هند ماهی شمسی را نیز تحویلی می گیرند و لیکن مقدار سال شمسی ایشان از سال  
شمسی حقیقی اهل فرس بیست و چهار دقیقه ساعت زیاده می باشد زیرا که برج اصطلاحی اهل  
هند صور الکوکب است و آن در هر سال شمسی تقریباً یک دقیقه طی می کند و قدر حرکت یک دقیقه  
شمس بیست و چهار دقیقه است اما ماهی قمری پس ترکان و اهل هند آن را حقیقی می گیرند  
و آن از اجتماع شمس و قمر تا اجتماع دیگر می باشد و اهل مشرق زمانه ما بین رویت  
دو هلال را ماه قمری می گیرند و آن کمتر از بیست و نه روز و زیاده از سی روز باشد و ممکن است  
که تا چهار ماه متوالی سی سی روز آید و زیاده فی و تا سه ماه متوالی بیست و نه روز و بیست و نه  
روز شود و زیاده بزرگ نی با کله ماه اسلام میان نیز اصطلاحی باشد که ای زیاد از حقیقی و گاهی ناقص  
ازین مرقع او ساطع مشهور شرعی هم متعذر است پس از باب تسبیح که از اهل اسلام اند  
ماه با کبر قریه عربیه و غیر اصطلاحی کرده اند و باز از آن او ساطع کوکب در زیجا















در میان کتب بسیار است و ساری از یاد و دل او در این کتابها است که با کتب دیگر که در میان  
 کتب کجایند و فی ماه واقع شده در این ماه زاید را بخت خود بمانی و او اندر این بیخ با دیگر که بعد از این ماه  
 از ماه فریاد کلمه است که در کلام ازین ماهها هیچ اجتماع واقع نشود از غیبت  
 از سال که از مدت گذرد و بازده ماه در سال گیرند و این یعنی کمتر از مدت یک صد و بیست سال واقع  
 نشود و نخواهد بود که در این ماه که در تاریخ اهل ترک است و اینان نقل حکما می خطای اند و بجای  
 علم با مقدار انسان از زمانه است جانها از کتب قدما مفهوم می شود که تا این زمان کمتر  
 از ده گروه و ششاد و ششاد یک سال گذشت و بعد از این تاریخ از باب ریحانات  
 را تخمین معلوم نیست اما اینان در روز هفتم شهریور می آید و در این ماه شهریور می نویسند برین بر  
 سخنان میل او در میل پارسین قوشقان میل لوسی میل انسان میل قوت میل قومی میل بحر میل  
 نما قومی میل ایت میل تلکوز میل و این نام دو از ده حیوانات است که ترجمه اش در فارسی علی الترتیب  
 چینی است موش پگاو پلنگ خرگوش زنبک مار اسیب کوسبند میمون پرنج بگ بیل  
 و در حال را خواهی می گویند موافق حیوان ششمی مذکور و ابتدای ماه این طایفه از روزی باشد که قبل نصف  
 نهار آن اجتماع نیرین واقع شود و بعد از آن حال از وقتی گیرند که آفتاب در درجه پانزدهم در  
 زیرا که این درجه بعد از ربع ایشان است و اول حل که بعد از ربع مشهور است نزد ایشان  
 او وسط ربع می باشد و برین قیاس بعد از فصل اول که باقیه او ساطع فصل ایشان می باشد  
 و چون ماه ایشان قریب و سال شمسی لهذا مثل اهل هند ترکان نیز بعد دو سال یا سه سال  
 یک سال را سیزده ماه گیرند و ابتدای دور آنها شهریور است سنین از حوالی چهارم فیروز می باشد که  
 شروع می شود چنانچه بعد از رسیدن یک هزار و هشتصد و هشت و بیست و هشت می واقع شده بود پس ساطع ایشان  
 دور برای سالهای مستقبله سهولت معلوم شود و به الکشاف سیوم در ذکر عنوان و جدول تاریخ \*  
 تاریخ مثل می باشد بر چند امور اول بیان تواریخ مشهوره و تنویر سنین و مشهور آن و بیان مدافع سال  
 و ماه و دانستن تاریخی از تاریخ معلوم و ذکر ایام جشن غربیان و فارسیان و دیگر اهل ملل و ایام  
 معدوده که در آن ولادت یا وفات برگزیدگان خدا و دیگر ایامی که در آن حدیث آمده است  
 شده باشد دوم تعریف جیب و ظل و کسب و طریق عمل و استخراجات جزئیات طالع که عبارتند  
 از قبول خرمیه و بعد کواکب انومودل لیسار و بعد بل لیسار و قوس النهار و قوس الليل و ساطع و ریح

در خط اول از بالا که در آن خط عرض و در خط اول از پایین که در آن خط عرض و در خط اول از چپ که در آن خط عرض و در خط اول از راست که در آن خط عرض  
سمت از ارتفاع و ارتفاع و معرفت ارتفاع سمت و بر آوردن خط نصف النهار و طول و عرض که در خط اول از چپ که در خط اول از راست  
و استخراج بعد میناق دو که کتب معرفت طلوع از ارتفاع و ارتفاع از مطالع السیوم خید اول خیب چارم  
خید اول ظل اول و ظل دوم پنجم خید اول میل اول و میل دوم ششم خید اول مطالع البروج خط استوا مبتدا  
یعنی زاهد حل و مبتدا از اول خیدی و مطالع یازدهم و اثنا عشر از درجه واحد تا بنجاه درجه که در انتها می آید  
در مقام خید اول طول و عرض بلاد ششم خید اول تعدیل النهار و ساعات نصف النهار موضع رصد و بعضی مواضع  
در کتبیم طریق تحصیل اوساط کواکب سیاره در وقت و بلد مفروض و هم طریق تحصیل تقویم کواکب از اوساط  
و تعدیلات یا از دم خید اول اوساط و تعدیلات و ابعاد سیاره دو از دم خید اول لیل منتهی بکویت و معرفت  
انداز مفاد بر اختلاف مناظر و اقطاب و غیره و اما می حاصل از تقاطع نصف استوا  
و منطقه البروج هر دو با هم می حاصل از تقاطع یاقین و عرضیه هم عرض و بعد از آن ساعات در خارج  
خسوف بمقابله عرض و بیست و ششیم باطن طریق موازیه استخراج کردت و خسوف چهاردهم  
خید اول تعدیل الغروب و قوس الرویه و غیره حسب بلاد مختلفه الاغراض یا نزدیک طریق استعلام رویت  
بلاد استقامت هم خید اول اطوال و اعراض کواکب ثابت است هم خید اول اتصالات و نمازجات  
کواکب درین امور مذکوره از آنکه اینهم زیج است اگر یکی ازین سه ک شود زیج ناقص  
باشد و در بعضی زیجها خید اول انباءات و سیرات و غیره دارا است و نمودار است و امثال این  
که تعلیم با حکامه سالو عالم یا سال موالید را در بنزد درج می کنند آنرا خوانند که این امور اطلاق  
بعلم احکام نجوم دارد از زیج معلی نیست و باید دانست که هر بی وضع جدول اوساط اوقات  
که اول جدولی کشند و در جدول پس و یک نیست داشته باشند و در عرض بقدر حدت خسوف اوقات  
و اربیت فوقانی ضلع ایمن جدول ارقام آیام بنویسند تا از ابتدا از واحد تا شصت و یک و در مقابل  
روز اول در جمیع بیوت اوساط صفر گذارند و بمجازه بیست روز دوم اوساطی که از رصد  
حساب برایشی یک شبانه روز بر آورده باشند بنویسند بعد همین رقم را تضعیف نموده محاذی روز  
سیوم بر یکا بنویسند و در دوم و سوم را جمع نموده محاذی روز چهارم بنویسند و علی اند الصیاس  
نیمت روز دوم را با هر حاصل جمع کرده به بیست متصل نحانی آن نکارند و همین سان عمل کرده باشند  
تا بیست کسی و یکم تمام شود و این جدول درین هنگام بمقابله آیام تا نصف در یک شده باشد پس بعد از  
جدولی دیگر رسم کنند که بیوت طولش مسیره باشد و بیخانه فوقانی ضلع ایمن نام ماهی وسطی که

مرقوم کرده است. در خانه اوسا که محاذی ماه اول است اصفا رکذارت و بلا حظه کنند که حسب اصطلاح ماه اول چند روز در آنجا  
 باشند بر آن یک روز زیاده کنند و بمقابل آن از جدول اوسا ایام ناقصه ارقام برداشته محاذی ماهی که بعد از آن  
 بنویسند بعد ملاحظه کنند که این ماه چند روز است بزیا دنی یک عدد باز از جدول اوسا ایام ارقام آید  
 و بار این رقم جمع نموده محاذی سیوم مرقوم سازند و همچنین بملاحظه ایام هر ماه بزیا دنی یک رقم  
 اوسا گرفته با حاصل شهر جمع کرده باشند تا بیوت جمع شهر ذات الارقام شوند و الارقام شهر  
 که تحت ماه کعبه واقع اند از آن رقم لایسند یکی اصلی سواد دوم تحت آن از حرمت بزیا دنی وسط یک  
 یوم تا در سال غیر کعبه وقت حساب رقم سواد گرفته باشند و در کعبه رقم حرمت و این جدول همی است  
 بعد از اوسا شهر ناقصه من بعد آن جدول دیگر کشند مثل جدول اوسا مستل برسی و یک  
 بیت و بجای ارقام ایام ارقام سنین مبسوط ناقصه بنویسند پیش بمقابل سال اول اصل الوسط  
 که در نصف النهار ابتدا آن سال بوده باشد بنویسند پس از آن همین رقم را با آنچه محاذی ماه سیزده  
 اصحت جمع نموده محاذی سال دوم بنویسند و با این رقم همان رقم ماه سیزدهم جمع نموده در  
 سال سیوم بکارند و علی هذا القیاس تا سال سی و یکم ناقصه ارقام بنویسند و آن را یک مرتبه  
 که سال کعبه باشد رقم ما قبل آن را با رقم حرمت ماه سیزدهم جمع کنند و الا با رقم سواد تا  
 بدین عمل جدول سالهای مبسوطه تمام شود بعد جدول دیگر هم کشند که در طول نیز سیزده  
 بیت داشته باشد مثل جدول شهر و بجای اسمای شهر در این جدول تقاضا عفت  
 تا خانه دوم بنویسند یعنی در بیت اول  $x$  در دوم  $x$  سه  $x$  و در سیوم  $x$  صد  $x$  و علی هذا القیاس تا خانه  
 دوم نوبت بر رقم  $x$  صد بعد در خانه یازدهم دو چند رقم شده که  $x$  است بکارند در خانه دوازدهم  
 $x$  تا  $x$  که سه چند رقم  $x$  است و در خانه سیزدهم رقم  $x$  غیر  $x$  که چهار چند  $x$  است با تمام  
 رسد بعد رقم سواد ماه سیزدهم را درسی ضرب کنند بر حاصل رقم روز ده از دهم که در  
 جدول ایام ناقصه است بنویسند و حاصل و درین جدول محاذی  $x$  بنویسند و رقم  $x$  را در  
 کرده محاذی  $x$  بکارند و ارقام  $x$  را یکجا کرده محاذی  $x$  بنویسند و ارقام  $x$  را در  
 ل جمع نموده محاذی  $x$  بکارند و همین سیان هر یک را با ارقام  $x$  جمع نمود. وقت نوشتن  
 شدند تا نوبت بر رقم  $x$  صد بعد بر رقم  $x$  شده بود و صد کرده در بیت  $x$  بنویسند  
 شده  $x$  را در بیت  $x$  بنویسند و در چند رقم  $x$  را در



اعلامت لیل که اول وقت بولیند علامت دو کوکب و از این آن مزوک نشان دهنده که این مطلب می نویسد آن  
خانه در مفرق قری نقطه برای اتصال نره آن کوکب بر مخرج می باشد پس شش کوکب که کشند و علامت روز برای آن  
نویسند که این ارقام همیشه محاذی علامت روز که در آن اتصال واقع شود می نویسند و اگر وقت اتصال واقع شود  
محاذی شود می نویسند که این مطلب می نویسد مثلا اتصال نره در مخرج حوت بعد از ساعت شش و نیم و بعد از آن  
نویسند و با آنکه در آن وقت که کوکب را از کوکب دیگر که در آن اتصال است از هر جهت و در آن قطار و قطع میزند  
و این مخرج قطار است و در آن اتصال که در آن قطار اول قطار است و از آن نشان باشد که دو کوکب در یک بره  
دو یک نقطه صحیح شود و متلازم برین را اجماع خوانند و مقابله هر سه مخرج را با شش ساعت از آن گویند و علامت  
مقارنه و در وقت بر آن اجماع را نیز شامل است اما علامت آخر آن را که در آن وقت که در آن قطار دوم است  
و آن جهان است که میان دو کوکب فاصل مدس دو باشد یعنی شصت درجه و در آن ساعت که در این یک  
سائر الظار اینده که کوکب سیر را مقدم دارند بر بطی السیر مثلا گویند که در این مخرج  
و نه گویند که در این شش با فریب اگر کوکب سیر و مقدم باشد بر کوکب که در آن وقت که در این  
گویند برین مثال فریب تا آن شش و با آن و اگر با فلک باشد که در این السیر بود و علامت  
تدیس مدس می نویسند نظر سوم تریج است و آن جهان باشد که میان دو کوکب در این دور باشد  
یعنی نود درجه مثل آنکه تقویم عطارد در حمالط و شتری و مالط و این تریج همین است و اگر بطی  
بودی تریج السیر می بود و علامت تریج مدس است نظر چهارم تریج است و آن حالت که جهان دو کوکب  
فاصلت دور یعنی یک صد و بیست درجه باشد و تریج تریج است و تریج همین است و این بود  
و علامت شش است می نویسند تریج مقابله است و آن جهان است که میان دو کوکب با فاصل نصف  
دور باشد یعنی مدف و مقابله برین را استقبال گویند و علامت آن بر تقدیر به له است  
و اتصالات کوکب را هموای قریشش رقم نویسند اول علامت اتصال دوم علامت کوکب تریج السیر سوم علامت  
کوکب بطی السیر چهارم علامت روز مرکب علامت لیل یا بهار تریج علامت ششم علامت دقیقه  
ساعت مثلا تدیس عطارد و زهره را بروز پنجشنبه بعد از شام و نود و نه دقیقه چهارشنبه  
در مخرج و باید دانست که انظار حقیقی همانست که ایجاد کوکب بعد از مخرج با مشد و زمانه آن  
آن واحد است اکثر اوقات و لیکن برای انظار بعدی معین کرده اند که ما بدانیم تریج تریج  
آغاز کرد و بعد می دیگر که چون از آن حد تجاوز نکند با کلید یا بال که در آن وقت که در این

لواکب مقرر کرده اند و آن را الوار میر نویسند و مراد از اجرام سماوی است که در آن  
امرا اعتباری اصحاب احکام است که تا این حد تاثیرات و اعمال کرده اند و در این کتاب  
میشود که بدان اجرام سیارات بی نظیر و لطیف است که در این کتاب  
و جرم مریخ هفت درجه و جرم شمس پانزده درجه و جرم زهره و عطارد هفت درجه و جرم قمر دوازده درجه پس  
حرکات قبل از وقوع نظر حقیقی فرق میان مرکز نظر با ده نوازل مجموع دو جرم کوكب باشد نظر آغاز شده باشد  
و اگر بعد کوكب کین مثل مجموع حرین باشد ابتدای نظر بود بعد از آن آناتاقا اتصال قوی کرده تا مرکز رسیدن  
وقت خود باشد و چون از مرکز تجاوز کند آن زمان کوكب را منحرف خوانند و لیکن هنوز در حد اتصال باشد  
تا چون از مرکز اتصال کوكب سریع السیر بقدر مجموع دو جرم دور شود آن زمان اتصال باطل گردد  
و تیرید آنکه حرکت کوكب بقیاس دیگر در حد اتصال رسد اما مرکز نرسیده باشد و کوكب سریع قبل  
از وصول به مرکز راجع شود این حالت را انکسار گویند و علامت آن کات می نویسند و تفسیر واقع  
شود ساعتی و دقیق آنرا می نگاه دارند بدین منط که اول علامت انکسار نویسند بعد علامت کوكب  
سریع السیر بعد علامت کوكب دیگر بعد از آن علامت بوم مع ترکیب علامت نهار باللیل بعد  
ساعت و دقیقه و انبساط قمر و اما هر کوكب چهار رقم می نویسند اول علامت اتصال دوم علامت  
ساعت سیوم علامت دقیقه چهارم علامت نهار باللیل و علامت کوكب دیگر و در این بدلی  
گردانم آن معلوم شد می گذارند مثلا تدیس قمر با عطارد بعد ده ساعت پنج دقیقه روز  
برین منط نویسند ساعتی و علامت رجعت کوكب را ساعت می نویسند و تفسیر را بنویسند  
نوشتن علامت آن کوكب اشارت بساعات و دقیق و روز شب کنند برین مثال ساعت مرآت  
در هر کجا رجعت با ذایل برجی اتفاق افتد در نحو برین کوكب در آخر برج مقام می رود این حالت را  
عکس خوانند نسبت عکس بهمان برج مقدم کنند پس هر وقت عکس واقع شود لفظ عکس را بنویسند بعد  
علامت کوكب بعد علامت آن بزویج که در آن عکس واقع شود بعد علامت بوم مرکب  
علامت نهار باللیل بعد ساعت و دقیق برین پنج عکس و لام م و احراق  
را بنویسند و درم اتصال نویسند بر آنکه علامت شمس درینجا نوشتن ضرورت نیست اگر مثلا احراق مریخ  
بروز پیشتر باشد ساعت و هفت دقیقه شود چنان نگاه دارند پنج مریخ و حرکت قمر قبل از شمس بعد  
دوازده درجه رسد آبرام بدای تحت الشعاع خوانند و علامت پنج م نویسند و همچنین هر کجا  
بعد از اتصال از آفتاب دور شده به بعد از آن رسد این حالت را خروج الشعاع گویند

ازین بیشتر از طبع طبیعی و طبع غیر طبیعی در سائر اجرام است  
و نسبت به شرف ششمی در سائر اجرام که در سائر اجرام است  
حل بدرجه نوزدهم و شرف زمره درجه شصت و شصت و شصت و شصت  
و شرف فرد گوگرد درجه شصت و شصت و شصت و شصت و شرف ذنب  
شرف راس است و درجه مقابل شرف هر کوكب مبطوطه او باشد و هرگاه كوكب بر ابتدا می رود  
شرف رسد علامت آن است و می نویسند و هرگاه بر انتهای می درجه شرف برسد علامت  
آن بر مکتب می نویسند و علامت ابتدای درجه مبطوطه طرف در انتها می درجه مبطوطه بر مکتب و بر  
هر یک ازین چهار یعنی شرف و تمام شرف و مبطوطه و تمام مبطوطه و تمام اتصالات می نویسند مگر فرق آنکه  
علامت كوكب دوم کم می باشد و نیز در جاتی را که از درجه نوزدهم حل که شرف آفتاب است تا  
موضع سیوم نور که شرف ماه است درجات تیره خواهند و علامتش ده است و همچنین در جاتی را  
که از درجه نوزدهم میزان که مبطوطه آفتاب است تا درجه سیوم عقرب که مبطوطه ماه است درجات طلوع  
محرقة نامند و علامتش ده است و می نویسند و ساعات مبدای هر یک نیز اشارت می کنند بر  
مثال ده فلک اول و نیز بدانند که هر دو نقطه که از درجه جانب راس السرطان به بعد است  
واقع باشند میان آنها تناظر زمانی باشد یعنی چهار هر دو جز متساوی می باشد و علامتش ده است  
می نویسند و همچنین هر دو نقطه از منطقه البروج که بعد آنها از دو جنب راس الحمل متساوی بود  
میان آن دو نقطه تناظر مطالعی باشد یعنی مطالع دو قوس که محصور میان این دو نقطه و نقطه راس  
الحمل اند متساوی می باشند و علامتش ده ظلم می نگارند پس هرگاه هر دو كوكب سوای قمر بر  
ناظر زمانی یا تناظر مطالعی رسند این تناظر را در تقویم نیز ثبت می کنند مثل ارقام انظار برین مثال  
ظلم و مراکتب و این تناظر را اتصال محلی نیز خوانند و در اصول بیت مبرهن شد که سبعة  
سیاره را باعتبار خارج مرکز و تدویر چهار نطق می باشد و در تقویم ملاحظه اوقات و بول  
کواکب را بر نطقات نیز می نویسند آنچه از خارج مرکز باشد آنرا نطاق ادجی نامند و آنچه از بیرون  
بود نطاق تدویری و علامت هر یک بفضیل نوشته میشود نطاق اول ادجی و بقا در نطاق دوم ادجی  
فرد نطاق سیوم ادجی و فخر در نطاق چهارم با قدر و ...

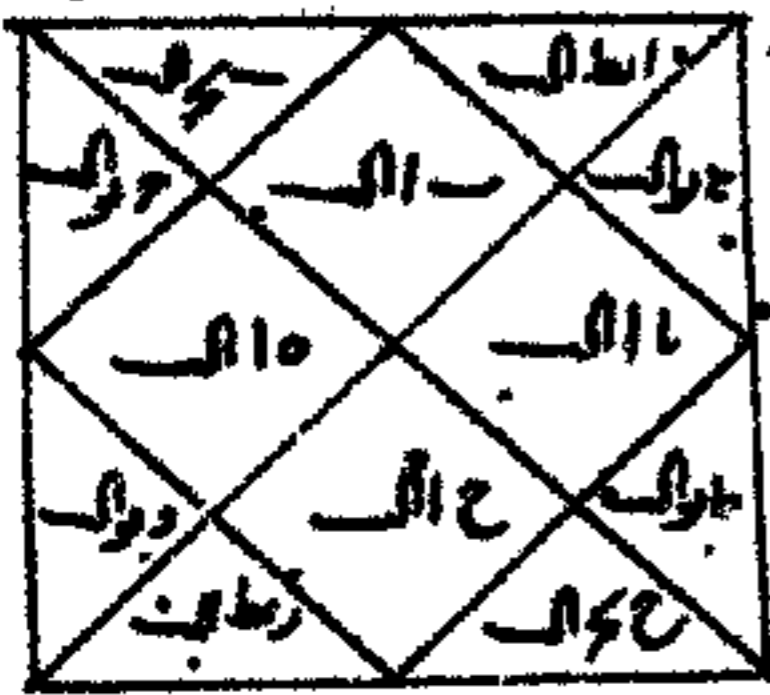




در این کتاب در بیان بعضی از این امور که در علم نجوم است  
 در بیان این که در هر روز از هر وقت که در هر مکانی که در هر  
 قطع می کند لهذا بجای آن که در هر وقت که در هر مکانی که در هر  
 در این صورت است که در هر وقت که در هر مکانی که در هر  
 قرار داده اند و همچنین در هر وقت که در هر مکانی که در هر  
 حرکت را در یک شبانه روز تقریباً قطع می کنند و هر چند که در هر  
 محادی آن صورت واقع بود و آنجا می خازن برین ترتیب است بشرطین  
 ذراع و شتره و طرقة و جبهه و زبره و صرقة و عوا و سماک و غفره و زبایا و اکلیل و قلب و شوله و نعام و بوز  
 ذابح و بلع و کبود و اجبه و مقدم و موخر و رشا و قرصگاه و بغایت سریع السیر میشود و در شبانه روز تقریباً یازده  
 درجه قطع می کند پس یک منزل را در بیست و یک ساعت تقریباً قطع کند ازین جهت لازم آید که در هر  
 در بعضی روز انتقال دو منزل بوقوع آمد و هرگاه قریباً بطی السیر میشود تقریباً در شبانه روز  
 یازده درجه طی می کند و ازین جهت لازم آید که یک منزل را تقریباً در بیست و یک ساعت  
 قطع کند ازین جهت لازم آید که در حالت بطود که در ام شبانه روز یک منزل منتقل شود و هر  
 هر منزلی در هر ساعت که منتقل شود در پهلوی آن رقم سیایات و دقائق را می نویسند و بعد از انتقال منزلی تالی  
 آن شروع شود و کواکبی که باعث تسویه منزل قمر شده بودند بهمان نام شهرت دارند بلکه محاذاً آن کواکب  
 هم منازل گویند و در دفتر تقویمی طلوع و غروب آنها می نگارند و مراد از طلوع آنست که بعد از آنکه  
 در تحت الشعاع محجب شده باشد و شمس از آن کواکب بحد قوس البروج بعید شود و قسماً  
 جانب شرق بر آید و مراد از غروب آنست که شمس بحد تحت الشعاع از کواکب قریب شود ازین  
 جهت وقت شام جانب مغرب محجب گردد و در حدود نشانه دو هزار و نه درجه سکندریانی طلوع  
 شریطن در چهارم اب و ماه رومی میشود و هر مقدار سال یک روز زاننده گردد مثلاً در سنه ۲۱۶  
 دو هزار یکصد و شصت اسکندریانی طلوع شریطن بتاریخ پنجم آبان ماه خواهد شد و آن طلوع شریطن بعد از  
 روز طلوع بطین میشود و همچنین بعد از شریطن روزی دیگر منازل طلوع می کنند و هرگاه وقت میانگردد

این

از طلوع آن بعد چارده روز طلوع خفته میشود و دیگر منازل باقیه بعد سیزده روز و حد سیال بعد از طلوع  
 طلوع ششمین بعد چارده روز بود و هر منزلی که طلوع کند منزل پانزدهم آن که پیشتر خوانند غروب شود  
 غروب رقیب را سقوط نیز مانند پس از طلوع روزی که منزل طلوع شود محاذی آن روز بدعده نویسند  
 که علامت طلوع است و متصل آن نام منزل طالع را بعد بدعده بدعده نویسند که علامت سقوط است و متصل آن منزل  
 رقیب را کارند بعد از آن علامت شب برد آینه مرکب کرده نگارند مثلا اگر بیسج چهارشنبه ششمین طلوع کند  
 چنان نگارند بدعده ششمین بدعده غفره بدعده و اهل هند کسر زاید ثلث را می گذارند و منطقه البروج را نیز  
 و هفت قسمت کنند و هر حصه را منزل می دانند و بدین اعتبار قسط هر منزل بدعده میشود و بزبان خود منزل  
 پنجم می گویند و در تقویم کربها پی اتقال آنرا ثبت می سازند و اسما پنجم است و هفت گانه بزبان اهل  
 هند یرین تر شیب است - اسنی بدی - کونکا بدی - مگر سراج - اورا بدی - نیریس بدی - استیکها بدی - گها بدی - پوریا  
 پالنی - انرا پالگنی - است چتر - سیواتی - میا کها - ایزد صا - جیشها - مول - پوریا کها - کها - سرون - بدی  
 دست بهکا بدی - پوریا بدی - اتو بدی - دو بدی - دیو قی - و منجله امور می که برای احکام سال عالم مواید  
 در دفتر تقویم مندرج کنند سهم العادت و سهم الغیب و سهم الحوادث است اما سهم العادات  
 نقطه ایست از منطقه البروج که حاصل میشود از نقصان نمودن تقویم شمس از تقویم قمر و افزودن باقی بر  
 الخال مثلا در وقتی معین تقویم شمس - مخرج لطلوع و تقویم قمر - مخرج الرب ل - و مخرج اول  
 از دوم کاستیم شد - مخرج اول بر سیوم افزودیم حاصل آمد سهم العادت مخرج و الوم -  
 و سهم الغیب نیز نقطه ایست از منطقه البروج که فراهم آید از کاستن تقویم قمر از شمس و افزودن  
 بر طالع و در مثال گذشته تقویم قمر از شمس کاستیم باقی ماند مخرج کالون - این را بر طالع افزودیم  
 شد سهم الغیب انظم آمد و سهم الحوادث هم نقطه ایست از منطقه البروج که حاصل میشود از کاستن تقویم  
 شمس از تقویم قمر و افزودن باقی بر تقویم قمر مثلا در وقتی معین تقویم شمس - مخرج لطلوع و  
 تقویم قمر - مخرج اول بر سیوم افزودیم کاستیم شد - مخرج اول را از دوم کاستیم افزودیم  
 شد سهم الحوادث - مخرج اول بر سیوم افزودیم کاستیم شد - مخرج اول را از دوم کاستیم افزودیم  
 بسیار است نه که چند و ترکان تاشیئات خوانند و آن دو از ده نقطه است از منطقه البروج که  
 قمر بر این نقاط برسد حسب مزاج آن نقطه استدلال می کند بر تغییر موازین اول نقطه ایست که از  
 قمر در آن شده بافتد مرکز دوم ان اول بعد دو از ده درجه است و مرکز سیوم از دوم بعد سی و سه درجه  
 و مرکز بیستم از سیوم بعد چهل و پنج درجه و مرکز پنجم از چهارم بعد چهل و پنج درجه و مرکز ششم



نجم بعدنسی هکله درجه و مرکز هم نظر اول باشد و هم نظر دوم و هم نظر سوم و هم نظر چهارم و هم نظر پنجم و هم نظر ششم و هم نظر هفتم و هم نظر هشتم و هم نظر نهم و هم نظر دهم و هم نظر یازدهم و هم نظر دوازدهم نظر ششم مثلا هرگاه جزو اجتماع سالک باشد صورت زایچه مراکز جلالش چنین شود مستدایه بیت پیشا تا بدانت که اهل نارس بجای ایام هفته برای روزهای ماه شمسی ماهی دازند برین ترتیب و اورزده بهمن و اردی بهشت و شهر یورد و اسفند از

خورداد و امرداد و دیاد و آذر و آبان و خرداد ماه و تیر و گوس و دی و مهر و سر و ش و دشن و فروردین و بهرام  
رام و اده و بیدین و دین و آراد و اشناد و اسمان و رامیاد و مالا سفید و ایزان و و هع این ایام مقابل با بتها  
فرسید قه میست زیرا که شهریان همیشه کسی روز می باشد و در آخر ماه اسفند بود که خسته سترقه زیاده می کنند  
این نام دارد و اهنود و اشنود و اسفند و مذ و نشت و شنویش و و با عقاد ایشان این اسمای ملا یک هست  
و هر روز بدینان منسوبت و تاریخ بر ماه که همان آن باشد در آن روز جشن میکنند و آن در فروردین ماه  
روز نوزدهم است و در اردی بهشت ماه روز سیم و در خرداد ماه روز ششم است و در تیر ماه روز  
سزدهم است و در امرداد ماه روز نهم است و در شهر یورد ماه روز چهارم است و در بهرام ماه روز شانزدهم است  
و در آبان ماه روز دهم است و در آذر ماه روز نهم است و در دی ماه روز یازدهم است و در بهمن ماه  
روز دوم است و در اسفند از بد ماه روز پنجم است و آن تاریخ الهی تیر نامهای روز ماه را بدستور  
میدارند و روزی دیگر را در خوانند و روزی و دوم را شب و ایام معدود که در حاشیه تقویم می خوانند  
یون العاشوراء - که دهم است و روز استغاث و آن پانزدهم است و روز معشت و آن بیست  
و نهم است و ایام معلومات که عشره اول ذی الحجه است و روز عید غدیر و آن بیستم ذی الحجه است  
و روز صدقه حاجت است و آن بیست و چهارم ذی الحجه است و لیله البراهه و آن شب پانزدهم شعبان است و  
یوم الفطر و آن اول ثوال است و این همه ایام و امثال آن منعلق با اعمال اسلامیان است اما ایام  
مشهور بیا اهل روم است منجمله آن میلاد حضرت عیسی علی نبیا و علیه السلام است و آن بیست و نهم ماه  
کولان آمار است از بیت و یکم حزبران بر لذیخی بن ذکریا علیه السلام است و بیستم ماه اول ایتم  
ریح الربیع است تا چهل روز و تزد عرب ایام ربیع الربیع از طلوع پر یا طلوع صفره است و  
آن نهم و چهار ماه می باشد بجز ایامهای مشهوره با حوض است و آن نهم و نهم و نهم است و  
اهل احکام ازین ایام است رذال حال نبوامی چون از کرمی و سربگی و بازل و چنین گویند که  
اگر در سه روز اول این هفت ماه با بر باشد مسلمان آن نمال اول سرب بود و اگر با دو باشد

در این روزها در این زمانه که در این سال باول شکستند و یا آخر سال با اول بود و در  
 جمیع هفت روز با اول باشد زمان تمامه سرد و بایتم بود و تقویم شباط سقوط جبه اول است و ازین روز تا هفت  
 روز بخار است در زمین افتد و زمین را گرم سازد و چاردم شباط سقوط جبه دوم است و درین هفت روز  
 آب حرارت پیدا کند و یک شباط سقوط جبه سوم باشد و ازین روز تا آخر ماه در نباتات و اشجار حرارت  
 پیدا می شود و در میان سقوط جبه اول وقت سقوط جبه است و سقوط جبه دوم وقت سقوط جبه است و سقوط جبه  
 سوم سقوط جبه است و ظهور تاثیرات مذکوره را در سقوط منازل می دانند و بیت و ششم شباط اول ایام  
 بر و العز است تا هفت روز و بعد ازین سر تمام میشود اما از جمله ایام نامی مشهوره اهل فارس بمحرم ماه است و ازین  
 نوشتن رفته گزدم است تا یک هفته چ میان ایشان مشهور است که اگر درین روز برای دفع سموم موام طلبیات سازند  
 شریح الاثر میشود و اول فروزین ماه نیز در عامه است و ششم آن نوروز خاصه و روز یک قبل نصف نهار  
 شمس بدرجه نوزدهم حمل رسد نوروز خوارزم شمای است و سنانودیم مهربان جشن مهرگان است و واضح  
 باد که دفتر تقویمی فارس که با فضل در بغدادستانه رواج دارد در آن تاریخهای هندی را نیز داخل میکنند  
 و این تاریخ را نیز با اهل هند متهم نامند و مدار آن بر وضع شمس و قمر است و ابتدا از استقبال می کنند  
 و مادامیکه مبدیان نیرین به دوازده درجه ترسد پر ذاب یعنی تاریخ اول است و چون بعد بدوازده درجه برود  
 منتقل شود و دوج شروع گردد و تا بعد بیت و چهار درجه باشد بعد از آن پنج شروع شود و به سیزده درجه  
 دوازده دوازده درجه تهای متوالیه منتقل شده باشند و تا اجتماع پانزده تته حاصل شوند و مجموع زمان این  
 تته پانزده گانه را پاکه سود می و شکل پنجم خوانند و همچنین از اجتماع تا استقبال دیگر پانزده تته دیگر حاصل  
 میشوند و مجموع آنرا پاکه بد می و کوشن پنجم نامند و به سیزده تته زمانه انتقال آن می نویسند و در رقم اول  
 گری و دوم بل و گری عبارت از حصه ششم شبانه روز است و بل حصه ششم گری است و ابتدا می گری از وقت طلوع  
 شمس می کنند و انتهای آن به شصت تا طلوع دیگر و به سبب سرعت و بطو گاهی در این  
 روز دو تته منتقل شود و گاهی لا انتقال بچیک تته روند و بدانند که نیز اول از بعضی  
 تته نیمه آخر از بعضی دیگر را بخش میدهند .

شکل پنجم		کوشن پنجم	
نیمه اول	نیمه آخر	نیمه اول	نیمه آخر
۸	۳	۱	۵
۱۵	۱۱	۱۳	۱۰

و آنرا بنده می گویند و تقصیر آن در این جدول ثابت است  
 و ابتدا و انتهای بنده را بدین رقم هر گری می نویسند  
 منازل بنده یعنی پنجم که اسمایش مدله در شد انتقال آنرا نیز  
 همین عنوان می نویسند و باید دانست که اهل هند همیشه در این  
 روزها

در ابتدا در [ ] باید و اینها را باید در باقی قطع تر آن مسافت پا جوک نامند و مثل نخیر چندی

جوک را تغییر جهت و جهت می گیرند ازین جهت دوره جوک در بیت و پنج روز و در بیع روز تقریباً

تمام شود و آنگاه جوک بترتیب چنین است: ابتدا در بیداریت بیکه در پرت و آبکهان و سوتیاک و

سویین و اینگونه سوکرمانه در پرت و سولی و گنده و برده و پرو و بیانات و برکین و بجز است و

بشی پات و بریان و برکیم و شیو و سده و ساد و شیه و شکلی و برتها و دیگر می دلد انتقال جوک را

نیز مثل تیره و محتر می نویسند و مثل تیره نخیر و جوک نیز بسبب سرعت قدر در یک روز کاملاً می دو

نخیر و دو جوک منتقل شود و کاملاً بسبب بطور یکسان یا اما عدم انتقال جوک در این دو روز کمتر اتفاق

افتد و واضح باد که هر کوی از تحت الشعاع بر آید در می گوید از آن ظهور کوکب بنوانند و علامتش

ظلم می نویسند و هرگاه در تحت الشعاع محجب شود آنرا غنا نامند و علامتش رخ و باشد و هر یک از ظهور و غنا

از دو حال خالی نیست اگر وقت صباح باشد آنرا صباحی گویند و علامتش رخ و باشد و اگر وقت تمام بود

مسانی گویند و علامتش رخ و باشد پس هرگاه عطارد مثلاً بوقت صبح غیبتی ظاهر شود چنین نکاتند و علامت

ماه و اگر مسانی باشد علامت شب نکاتند یعنی بجای ماهی که بدین بود اصطلاحات در روز آن

اول دفتر تقویمی و انکشاف دوم و ترتیب دفتر تقویمی باید دانست که وضع

بهر جنب برای همان وقت و پیشانی صغری دوم و بزق غم مشتمل می باشد بر دو زاویه پنج جانب راست است **در آن طالع اطلال**  
 اقبال جزو مقدم می نویسند و جزو مقدم عبارتست از جزو اجتماع یا استقبال که قبل از وقت تحول محل شده باشد و **در آن طالع اطلال**  
 اقبال جزو مقدم است در آن طالع اجتماع عالی یا استقبال عالی می نویسند یعنی اگر جزو مقدم اجتماع باشد این زاویه طالع  
 استقبال بود و اگر جزو مقدم استقبال باشد این زاویه اجتماع بود و فرجه که میان این دو زاویه باقی است در آن دو جزو  
 بنویسند در جزو بالای فرجه تقویم چهار نجوم از سبب نجومی و در جزو تحتانی حساب طلال می نگرند بقده متصل  
 ضلع این صغری از دو خط طولی دو خانه در عرض جدا می کنند در خانه اول سهم الحوادث هر روز می نویسند  
 و در خانه دوم مساجات و در قاتی وقت بلوغ کوکب کف الخشب بر نصف النهار چه میان میان مشهور است  
 که هرگاه این کوکب بر نصف النهار رسد دعاستجاب میشود بقده متصل این دو خانه بقدر دو انگشت  
 یا من گذاشته از خطوط طولی در عرض بر بیت و سه قسم بعضی ضیق و بعضی با وسع قسمت کنند  
 و از خطوط عرضی طول این صغری را قسمت کنند و مشتمل بر بیوتی که عدت مثل عدت ایام ماه الهی  
 باشد مگر باید که این خطوط عرضی بر بیوت متر و یک بقدر دو انگشت که مسی بجای نشسته نه شمسی است  
 مرور کنند یعنی این باشد و در طول بیوت ایام ماه الهی قسمت کنند و درین حالتی که طالع خسته نخورد و شمس و انصاف  
 و تناظر بر یک و اختراتی در ظهور و خفا و رحمت و عکس و انشا و اثار و اختراتی در غیره و تعیین غره شهری  
 که درین صغری مندرج اند سوای غره شمسه الهی محاذی روزی با متصل آن که این امر در انرا  
 واقع شوند ثبت می کنند و اموراتی که در بیوت بیت و سه گانه مذکوره مندرج می باشد برین اصل  
 است در بیت ۱۰ علامت جماعات که عبارت از ایام هفتصد در ۲۰ ایام تاریخ طلالی و در  
 در ۳۰ ایام تاریخ ماه الهی در ۴۰ ایام تاریخ ماه جلالی در ۵۰ ایام تاریخ ماه رومی در ۶۰  
 تقویم شمس در ۷۰ میل شمسی در ۸۰ تقویم فرورد در ۹۰ عرض فرورد در ۱۰۰ تقویم زحل در ۱۱۰ عرض زحل در ۱۲۰ تقویم مشتری در  
 ۱۳۰ عرض مشتری در ۱۴۰ تقویم مریخ در ۱۵۰ عرض مریخ در ۱۶۰ تقویم زهره در ۱۷۰ عرض زهره در ۱۸۰ تقویم مارد  
 ۱۹۰ عرض عطارد در ۲۰۰ تقویم راجس فرورد در ۲۱۰ غایت ارتفاع آفتاب وقت نصف النهار در ۲۲۰  
 ظل اقدام مستوی وقت نصف النهار که ظل اصلی عبارت از آنست در ۲۳۰ ارتفاعات نصف النهار  
 در این صغری شمسی همیشه یعنی شمسی فروردین ماه الهی و باید دانست که ماهی که آفتاب در سبب برج  
 بود میلش شمالی زیاد می باشد و علامتش در شدت است و در برج حقیقیه میل شمالی ناقص می باشد  
 و علامتش در شرف است و در برج خریقیه میل جنوبی زیاد می باشد و علامتش در جد است و در برج حقیقیه  
 جزو پائین است و علامتش در جفقه است و در برج حقیقیه قیس هر چه که میل باشد علامت آن بر مبدایش

بمکانند و چنین فرجه گاه میان راس و منصف ذنوب بود عرضش شمالی معاد زاید باشد و علامتش چنین  
 نویسد و شصت و دو اگر میان این منصف و ذنوب بود عرضش شمالی باطل ناقص باشد  
 و علامتش چنین است و شصت و دو اگر میان ذنوب و منصف راس باشد عرضش جنوبی باطل  
 زاید بود و علامتش چنین نگارند و شصت و دو اگر میان این منصف و راس بود عرضش جنوبی معاد  
 ناقص بود و علامتش شصت و دو باشد پس از هر روزی که عرض از قسمی متبدل گردد یا لایسمی رقم  
 عرض علامت مذکوره نویسد و چنین در عرض متجزه نیز معلم همین علامات می کنند و عرض فریاد  
 دفتر تقویمی باز ای هر روز می نویسند و عرض متجزه را حوالی ده بده و در وقت این صفحه  
 وقت بصفحه اول ورق ششم می رسد و این وقت معلوم است بصفحه تقویمی فروردین ماه الهی و پیش  
 از آن صفحه مسلسل بر دو زایچه می باشد آنکه جانب راست است در آن طالع و او تا در وقت استقبال  
 حال با احتیاط حال با نند و در زایچه چپ مراکز بحر و باطل می فرجه که میان این دو زایچه واقع است تقویم  
 است و منتهی است از آن رسد منحوس است ثابت می باشد و قسم تقویمی این فرجه را معطل گذارند اگر در  
 ماه و احتیاط یا در استقبال واقع نشود اگر در استقبال واقع شود از تقویم با اشتغال به یک زایچه استقبال  
 نماند اگر در اضعاف واقع شود این فرجه را اشتغال بر دو زایچه گردانند یعنی زایچه طالع را با تمام  
 باشد و زایچه را از بجز آن پس بعد آن جانب بسیار صفحہ دو انگشت حاشیه بگذارند  
 که کسی بجا نشد صفحہ ثمری فروردین ماه الهی است و درین حاشیه ایام معدودات که تو مع عبارت  
 از آنست و مطلوع و سقوط منازل در فرجه مشهور که درین صفحه واقع اند و سنگرات آفتاب در بروج  
 که عبارت از تحویل هند می آفتاب است ثابت می کنند و بقیه باقیه فرجه را مخطوطه دولی بر سر ششم  
 بعضی ضیق بعضی اوسع منقسم می آزند و در طالع ایام را سر ضیق و اوسع منقسم است  
 می باشد در هر بیتی از جهت استیمیت در شش گانه مطایع می باشد و در هر بیتی در  
 چهار روز مسمی در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ  
 فرسی فرمی در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ  
 تر از بر جی در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ  
 در ۱۲ ایام تاریخ در ۱۲ ایام تاریخ در ۱۲ ایام تاریخ در ۱۲ ایام تاریخ  
 و تاریخ ایام در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ  
 در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ در ۱۰ ایام تاریخ



۱۳۱۲

ابتداءً در ۲۲ کرمی و اول ابتدای به دره در ۲۵ کرمی و اول انتهای به دره در ۲۶ اشتغال قرار در پیوسته  
بجا بجهان من در صرب از غیب الشعاع و خروج الشعاع و نیره و شرف قزو و تمام شرف و طریقه و بهبوط  
پهنا بهبوط و در مع الزام و مع الذنب و مع الکلید از رقم حرث در همین صفحه می نویسد محاذ می رود  
که در آن روز حساب آینده آن روز واقع شود و بیت اتصال بر کوب که جا باشد و همچنانکه فروردین

باز در صفحه شمسی و قمری اشتغال دارد بر همین و تیره بلاکم کاست یا زده ماه باقی تیر برده و صفحه شمسی و  
قمری در ۱۳۱۲ کرمی و اول ابتدای به دره در ۲۵ کرمی و اول انتهای به دره در ۲۶ اشتغال قرار در پیوسته  
بجا بجهان من در صرب از غیب الشعاع و خروج الشعاع و نیره و شرف قزو و تمام شرف و طریقه و بهبوط  
پهنا بهبوط و در مع الزام و مع الذنب و مع الکلید از رقم حرث در همین صفحه می نویسد محاذ می رود  
که در آن روز حساب آینده آن روز واقع شود و بیت اتصال بر کوب که جا باشد و همچنانکه فروردین

### کتاب

دوم این ورق مبعث و اقدار کرمی و خروف می نویسد اگر در آن سال حساب رو بسا واقع شود  
بالتحریر و قسرتقوی و غیره  
تایم البین و چنانکه دل می باشد با حسن او ان و اسعد زمانه پیران اتمام و این احکام مطلق و محلی  
نکت اپر و تعامل و تقدس منظور نظر نام و مقبول طبع هر خاص و عام گردانا مند و کرمی و یسند  
لیا فی اوراق و طالعبات آفاق همگانه از مطالعه این کتاب بهره یابنده از ادراک مسائل و حل  
ربا بنده الی دو بر کزیدگان ممدوح الصدرا که در حقیقت مولف معنوی بعدی از بابا جهاد  
و بقای چهر و دولت باد آرزو برای راقم صوری از درگاه آمدن گاه طلب آخرت شریفان  
وزا بر اسی مالیف شنبه پانزدهم صفر ۱۲۳۹ هجری قدسی بود روز انتهای مالیف شنبه  
و نهم جمادی الثانی ۱۲۴۱ هجری و ۱۱ محرم صی مطابق ششم آبان ماه ای در ۱۳۱۲  
تایم البین و چنانکه دل می باشد با حسن او ان و اسعد زمانه پیران اتمام و این احکام مطلق و محلی  
نکت اپر و تعامل و تقدس منظور نظر نام و مقبول طبع هر خاص و عام گردانا مند و کرمی و یسند  
لیا فی اوراق و طالعبات آفاق همگانه از مطالعه این کتاب بهره یابنده از ادراک مسائل و حل  
ربا بنده الی دو بر کزیدگان ممدوح الصدرا که در حقیقت مولف معنوی بعدی از بابا جهاد  
و بقای چهر و دولت باد آرزو برای راقم صوری از درگاه آمدن گاه طلب آخرت شریفان  
وزا بر اسی مالیف شنبه پانزدهم صفر ۱۲۳۹ هجری قدسی بود روز انتهای مالیف شنبه  
و نهم جمادی الثانی ۱۲۴۱ هجری و ۱۱ محرم صی مطابق ششم آبان ماه ای در ۱۳۱۲  
تایم البین و چنانکه دل می باشد با حسن او ان و اسعد زمانه پیران اتمام و این احکام مطلق و محلی  
نکت اپر و تعامل و تقدس منظور نظر نام و مقبول طبع هر خاص و عام گردانا مند و کرمی و یسند  
لیا فی اوراق و طالعبات آفاق همگانه از مطالعه این کتاب بهره یابنده از ادراک مسائل و حل  
ربا بنده الی دو بر کزیدگان ممدوح الصدرا که در حقیقت مولف معنوی بعدی از بابا جهاد  
و بقای چهر و دولت باد آرزو برای راقم صوری از درگاه آمدن گاه طلب آخرت شریفان  
وزا بر اسی مالیف شنبه پانزدهم صفر ۱۲۳۹ هجری قدسی بود روز انتهای مالیف شنبه  
و نهم جمادی الثانی ۱۲۴۱ هجری و ۱۱ محرم صی مطابق ششم آبان ماه ای در ۱۳۱۲